

ارزیابی شیوه شناسایی و تشخیص کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی

پذیرش: ۹۵/۶/۱۶

دریافت: ۹۵/۵/۲۴

علی رضائی

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

ali62rezaee@gmail.com

نگرانی که در این خصوص وجود دارد آن است که چون اعضای توسعه یافته الزام حقوقی به اعمال رفتار ویژه و متفاوت نداشته و تنها خود را به بیشترین تلاش متعهد می‌دانند، اعطای امتیاز به صلاحدید عضو توسعه یافته واگذار شده و آنها نیز بعضاً سلیقه‌ای مبادرت به اعطای امتیاز می‌نمایند. آنچه که در تعریف عضو در حال توسعه باید مورد توجه قرار گیرد، توجه به جنبه‌های مختلف توسعه به ویژه جنبه اجتماعی آن است.

مقدمه

تشخیص اینکه کدام کشور، در حال توسعه به شمار می‌رود، همواره یکی از چالش‌های مهم در نظام تجارت جهانی بوده است. نه موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی و نه موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، هیچ‌کدام، تعریف حقوقی دقیقی از اصطلاح «کشور در حال توسعه» ارائه

رفتار ویژه و متفاوت / خوداظهاری عضو امتیازگیرنده / انتخاب توسط عضو امتیازدهنده / شاخص درآمد ملی / جنبه اجتماعی توسعه.

چکیده

از آنجا که اعضای در حال توسعه سازمان تجارت جهانی می‌توانند از رفتار ویژه و متفاوت دیگر اعضا بهره‌مند گردند، تشخیص این قبیل کشورها همواره از اهمیت بسیار برخوردار بوده است. در قوانین و مقررات سازمان و همچنین در رویه، تعریف دقیق و مشخصی از کشور در حال توسعه وجود ندارد. این پژوهش بر آن است تا انواع روش‌های تشخیص کشورهای در حال توسعه را مورد بررسی قرار دهد. نتایج پژوهش حاکی از آن است خوداظهاری عضو امتیازگیرنده، رایجترین و انتخاب توسط عضو امتیازدهنده موثرترین روش می‌باشد. مهمترین

نکرده‌اند [۱]. با این وجود، معیار «خود اظهاری» اعضا به‌عنوان روش اساسی تعیین کشور در حال توسعه، به‌طور گسترده مورد پذیرش قرار گرفته است. سازمان تجارت جهانی با این عنوان که «کشورهای در حال توسعه چه کشورهایی هستند»، اعلام داشته است: «هیچگونه تعریفی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی وجود ندارد. کشورها خود اعلام می‌کنند که توسعه‌یافته یا در حال توسعه هستند. با این حال، اعضای دیگر می‌توانند به استفاده کشورهای که خود را در حال توسعه اعلام کرده‌اند از مزایایی که مقررات سازمان برای این قبیل کشورها در نظر گرفته است، اعتراض نمایند [۲]. بنابراین هر یک از اعضا می‌تواند خود را کشور در حال توسعه اعلام نماید. در عمل نیز به استثنا‌های عضو اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا، کانادا، ژاپن، سوئیس، نروژ، استرالیا و زلاندنو، دیگر کشورها حداقل یک بار از این فرصت استفاده کرده‌اند [۲].

آنچه که تعیین کشور در حال توسعه را با حساسیت زیادی روبرو ساخته است، مزایا و تسهیلاتی است که مقررات سازمان تجارت جهانی برای اینگونه اعضا در نظر گرفته است. یکی از این مزایا، اعمال «رفتار ویژه و متفاوت» با کشورهای در حال توسعه است که در مقررات مختلف سازمان از جمله ماده ۲۴ گات، ماده پنج موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) و شرط توانمندسازی به رسمیت شناخته شده است. به موجب این تسهیل، کشورهای توسعه‌یافته مجاز می‌باشند تا با عدول از اصل کامله‌الوداد، امتیازات تجاری به کشورهای در حال توسعه اعطا نمایند؛ بدون آنکه الزامی به اعطای این امتیازات به دیگر اعضا داشته باشند.

هرچند در عمل، این کشورهای توسعه‌یافته هستند که مشخص می‌سازند کدام یک از اعضا در حال توسعه به شمار می‌روند، با این حال، ارائه معیارهای کمی و کیفی می‌تواند به شفافیت موضوع کمک کرده و از بروز اختلافات بیشتر جلوگیری نماید. بنا به ملاحظات فوق، این مقاله درصدد است تا روش‌ها و معیارهای جاری مورد استفاده جهت احراز کشورهای در حال توسعه را مورد بحث و بررسی قرار دهد. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران در حال

پیوستن به سازمان تجارت جهانی است، تبیین رویکرد سازمان در این خصوص می‌تواند مفید و سازنده باشد.

۱. رفتار ویژه و متفاوت و دشواری تعریف کشور در حال توسعه

بنای سازمان تجارت جهانی بر اصول متعددی استوار است که مهمترین آنها اصل عدم تبعیض و اصل کامله‌الوداد است. این اصول، کشورهای عضو سازمان را مقید به داشتن رفتار یکسان با یکدیگر می‌کند. یکی از استثنائات اصل کامله‌الوداد، اعمال رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه است. هدف از اعمال این رفتار، جذب بهتر کشورهای در حال توسعه در نظام تجارت جهانی و تسهیل توسعه و پیشرفت آنهاست. نظر به اینکه کشورهای در حال توسعه از منابع و ابزارهای کافی جهت رقابت با دیگر اعضای توسعه‌یافته برخوردار نیستند، ضروری است امتیازاتی بدانها اعطا شده تا در فرآیند آزادسازی تجاری دچار آسیب‌های جدی نگردند. جهت تحقق اهداف نظام عمومی ترجیحات، در وهله اول باید اعضای که مستحق دریافت این امتیازات می‌باشند مورد شناسایی قرار گیرند. در این مبحث، ابتدا انواع مقررات سازمان که به نوعی دربردارنده رفتار ویژه و متفاوت هستند، معرفی می‌گردند. سپس، مهمترین مبانی‌ای که لزوم اعمال تبعیض میان اعضای سازمان را توجیه می‌نماید، مطرح می‌گردد. در نهایت، به دلایلی که تعریف کشور در حال توسعه را با دشواری زیادی روبرو ساخته است، اشاره می‌شود.

۱-۱. انواع مقررات راجع به رفتار ویژه و متفاوت

دبیرخانه سازمان تجارت جهانی، ۱۴۵ مقرره راجع به رفتار ویژه و متفاوت که در موافقتنامه‌های متعدد سازمان آمده است را در شش گروه طبقه‌بندی کرده است: (۱) مقرراتی که به افزایش فرصت‌های تجاری کشورهای در حال توسعه کمک می‌نماید؛ (۲) مقرراتی که اعضای سازمان را به حفاظت از منافع کشورهای در حال توسعه مکلف می‌نماید؛ (۳) انعطاف‌پذیری در قبول تعهدات، اقدامات و استفاده از ابزارهای سیاست‌گذاری؛ (۴) مهلت‌های زمانی موقت و گذرا؛ (۵) کمک و مساعدت فنی و (۶)

مقررات راجع به کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته.

همچنین به موجب دیگر مقررات از جمله ماده ۲۴ گات و بند دو (ج) شرط توانمندسازی، کشورهای در حال توسعه می‌توانند با ایجاد مناطق آزاد تجاری یا اتحادیه‌های گمرکی، با دیگر کشورهای همجوار، مبادرت به برقراری امتیازات تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای نمایند؛ بدون آنکه الزامی به رعایت اصل کامله‌الوداد داشته باشند. نتیجه این مقررات، کاهش موانع تجاری فراروی کشورهای در حال توسعه است؛ هرچند که چنین کاهش می‌تواند منجر به اعمال تبعیض نسبت به کشورهای توسعه‌یافته گردد.

۲-۱. مبانی اعمال رفتار ویژه و متفاوت

نظر به اینکه پی بردن به منطق اعمال رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه، نقش مهمی در ارائه تعریف آن کشورها دارد، دلایل زیر می‌تواند از مهمترین مبانی اعطای امتیازات تجاری به این قبیل کشورها باشد [۴].

اولین مبنا آن است که کشورهای در حال توسعه که امروزه اکثریت زیادی از اعضای سازمان تجارت جهانی را تشکیل می‌دهند [۵]، به منظور رقابت با دیگر کشورها و حذف نشدن در نظام تجارت آزاد باید از حمایت‌های خاص و ویژه برخوردار باشند. کشورهای توسعه‌یافته می‌توانند از طریق آموزش به کارشناسان و نهادهای ذیربط کشورهای در حال توسعه و مساعدت فنی به آنها از منافع ایشان حمایت کرده و هزینه تجارت را برای آنها کاهش دهند. تا بدین وسیله بتوانند به راحتی در این نظام جذب شده و نظام اقتصادی خود را همگام با دیگر اعضا به پیش برده و به رشد و توسعه دست پیدا کنند [۶].

دومین عامل، وجود صنایع نوپا و جوان در کشورهای در حال توسعه است که لزوم حمایت بیشتر را اقتضا می‌نماید. فدریک لیست [۷]، اقتصاددان مشهور آلمانی قرن نوزدهم که بنیانگذار این استدلال شناخته می‌شود بر این عقیده بود که: «صنایع ضعیف‌تر در کشورهای در حال توسعه بدون مداخلات دولتی به ویژه امتیازات تعرفه‌ای نمی‌توانند در رقابت با واردات، دوام آورده و به حیات خود ادامه دهند» [۸]. چانگ متخصص

دانشگاه کمبریج از دیگر کسانی است که از این استدلال در کتاب خود حمایت کرده و تجارت آزاد را وسیله ترویج و تسهیل توسعه و پیشرفت دانسته است. [۹]

سومین دلیل، کمک به کشورهای در حال توسعه‌ای است که دارای اقتصاد تک محصولی هستند. بدیهی است که اقتصاد این کشورها بسیار شکننده و آسیب‌پذیر بوده و در نتیجه کمک به آنها جهت تنوع بخشیدن به تولید محصولات داخلی ضروری است. یکی از راهکارها جهت بهبود این وضعیت، کمک‌های فنی و اعطای امتیازات و ترجیحات تجاری است [۱۰].

چهارمین مولفه‌ای که اعمال رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه را توجیه می‌نماید، ناکارآمد شدن بازار کار و رویه‌های داخلی مالی است. با افزایش واردات، تولیدکنندگان داخلی چه بسا فرصت‌های شغلی خود را از دست می‌دهند. در اینگونه موارد لازم است دولت با تغییر سیاست‌های مالی و حمایت از نیروی کاری که به دلیل افزایش واردات، کار خود را از دست داده است، با دادن آموزش، آنها را به سمت فرصت شغلی دیگری هدایت نماید. پرواضح است که تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه توانایی انجام چنین اصلاحاتی را نداشته و همین امر می‌تواند مشکلات اجتماعی و اقتصادی زیادی را برای مردم به وجود آورد. کشورهای توسعه‌یافته می‌توانند با اعطای امتیاز و دادن مهلت، به تدریج این کشورها را با آزادسازی تجاری و مسائل مرتبط با آن سازگار نمایند.

پنجمین عامل، عدم تعادل و توازن میان اعضای سازمان تجارت جهانی از حیث سطح توسعه‌یافتگی است. از آنجا که مذاکرات سازمان مبنی بر قاعده «بده و بگیر» یا به تعبیر دیگر، «بده، بستان» است، طبیعی است اعضای در حال توسعه از قدرت چانه‌زنی ضعیف‌تری در مقایسه با اعضای توسعه‌یافته برخوردارند. مساعدت و اتخاذ تدابیر حمایتی تا حدودی می‌تواند این عدم توازن را کاهش دهد. اما مهمترین نگرانی که در این خصوص وجود دارد، الزام‌آور نبودن مقررات راجع به رفتار ویژه و متفاوت است. آنگونه که برخی گفته‌اند: «بیش از ۹۷ مقرر مندرج در موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی که دربردارنده رفتار

ویژه و متفاوت هستند، تنها تعهد به «بهترین تلاش» [۱۱] را برای کشورهای با درآمد بالا مقرر کرده‌اند؛ بدون آنکه الزامی را برای این کشورها به دنبال داشته باشند. این امر موجب گردیده است تاکنون هیچ دعوی گزارشی نشود که در آن عضو در حال توسعه به دلیل عدم تسلیم کالا به موجب موافقتنامه‌های مختلف سازمان از عضو دیگر (به‌طور خاص عضو توسعه‌یافته) شکایت نماید» [۱۲].

۳-۱. دشواری تعریف عضو در حال توسعه

پیش‌تر گفته شد که سازمان تجارت جهانی، تعریف دقیقی از عضو در حال توسعه ارائه نکرده است. شاید از مهمترین عواملی که ارائه این تعریف را با دشواری مواجه ساخته است، عبارتند از:

۱. عدم تجانس و ناهمگنی اعضای در حال توسعه:

کشورهای در حال توسعه از جهات گوناگون با یکدیگر متفاوت هستند. در برخی کشورها چون کره جنوبی میزان سرانه تولید ناخالص داخلی نزدیک به ۱/۳۷۶ تریلیون دلار آمریکا است اما در برخی دیگر، مثل تیمور شرقی این عدد کمتر از ۱/۴۱ میلیارد دلار است. این در حالی است که کشورهایی چون زیمبابوه و مالدی دارای رشد اقتصادی منفی هستند [۱۳]. برخی کشورها مثل برزیل، هند و چین از حیث وسعت بسیار گسترده بوده ولی برخی دیگر بسیار کوچک هستند. تنوع و گوناگونی نظام‌های سیاسی و اقتصادی بر این ناهمگنی دامن زده است. تعدادی از کشورها دارای نظام سیاسی و اقتصادی پایدار و قوی بوده؛ در حالی که تعدادی دیگر، از یک نظام باثبات سیاسی و اقتصادی برخوردار نیستند. این ناهمگنی و تنوع کشورهای در حال توسعه، موجب پیچیده شدن روابط میان خود کشورهای در حال توسعه و تعامل کشورهای توسعه‌یافته با این قبیل کشورها شده است. تا جایی که ارائه یک نسخه واحد جهت تنظیم و حل مسائل و مشکلات آنها به راحتی امکان‌پذیر نیست [۱۴].

۲. تغییر مدام کارایی اقتصادی: هر کشوری تمایل دارد با

تغییرات مداوم اقتصادی، به رشد و توسعه دست یابد. همین امر باعث می‌شود کشورها در یک بازه زمانی کوتاه، دچار نوسانات شدید اقتصادی در جهت بهبود یا افول را تجربه کنند. برای مثال کشور گینه استوایی در طول مدت ۱۵ سال از فقیرترین کشور به یکی از ثروتمندترین کشورها تبدیل شد یا کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور به همین ترتیب. از سوی دیگر، اعضا ممکن است در یک دوره‌ای دارای رشد اقتصادی مثبت و در دوره‌ای دیگر، دارای رشد اقتصادی منفی باشند. بدیهی است چنانچه معیاری هم برای اندازه‌گیری سطح توسعه‌یافتگی ارائه گردد، این تغییرات مداوم می‌تواند برخی اعضا را در یک سال جزء کشورهای در حال توسعه قرار داده ولی در سال دیگر آنها را از فهرست خارج نماید.

۳. پیچیدگی مفهوم توسعه: در قوانین و مقررات و همچنین

رویه سازمان تجارت جهانی، تاکنون تعریف دقیق و روشنی از توسعه ارائه نگردیده است. در خود موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی، اصطلاح «توسعه» حداقل در چهار مفهوم بکار رفته است: توسعه اقتصادی، توسعه مالی و نیازهای تجاری، توسعه پایدار و توسعه در مفهوم مطلق [۱۵]. آنچه که باعث پیچیدگی مفهوم توسعه و در نتیجه ارائه تعریفی دقیق از عضو در حال توسعه می‌شود روش‌های متفاوت اندازه‌گیری و معیارهای مختلف است. برای مثال، برخی معتقدند علاوه بر معیار سطح درآمد ملی، معیارهای دیگری هم باید در تعریف توسعه مورد توجه قرار گیرند. حال آنکه برخی این امر را قبول ندارند. صرف‌نظر از تفاوت معیارها، اقدامات و روش‌های مختلفی که برای اندازه‌گیری سطح درآمد ملی یا میزان سرانه تولید ناخالص داخلی بکار گرفته می‌شوند، می‌تواند منجر به نتایج متفاوتی گردد. واقعیت آن است که هیچ طبقه‌بندی منسجم و قابل قبولی در خصوص میزان توسعه‌یافتگی کشورها وجود ندارد و سازمان‌های مختلف هرچند بگونه‌ای تلاش کرده‌اند تا به این مهم دست

یابند اما در این راه توفیقی حاصل نکرده‌اند. البته یکی از دلایل تنوع این طبقه‌بندی‌ها آن است که سازمان‌های مختلف بین‌المللی هرکدام بسته به حدود صلاحیت و اختیار خویش تلاش کرده‌اند تا به یک طبقه‌بندی برسند و همین امر موجب گردیده است تا تنوع این طبقه‌بندی‌ها زیاد گردد [۱۶].

۴. تعارض میان اصل کامله الوداد و رفتار ویژه و متفاوت: برخی اعضا مانند اتحادیه اروپا بر این عقیده‌اند که رفتار ویژه و متفاوت باید مبتنی بر اصل «نیازهای متفاوت، مسئولیت‌های متفاوت» باشد. اگر این قاعده بخواهد اجرا گردد و بر اساس میزان نیاز کشورها، امتیازات به آنها تعلق گیرد، دیگر موجبی برای استناد به اصل کامله‌الوداد باقی نمی‌ماند [۱۷]. در مقابل، چنانچه تمامی کشورهای در حال توسعه که حدود ۹۰ درصد اعضای سازمان را تشکیل می‌دهند مدعی باشند که در حال توسعه بوده و باید به نحو یکسان با آنها برخورد شود، این امر باعث می‌گردد کشورهای که نیاز به حمایت بیشتر دارند، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند، زیرا کشورهای توسعه‌یافته تمایل دارند تا امتیازات را به اعضای بیشتری اعطا نمایند. چه بسا با کره جنوبی باید همانند سوماتالی رفتار شود. طبیعی است با این ویژگی‌ها، پیدا کردن راهی میانه، کار بسیار سخت، دشوار و نیازمند تبحر و مهارت خاص است [۱۸].

۲. روش‌های تشخیصی عضو در حال توسعه

به‌طور کلی، پنج روش در تعریف عضو در حال توسعه وجود دارد که عبارتند از: الف) تعریف مندرج در ماده ۱۸ گات؛ ب) فهرست کردن؛ ج) طبقه‌بندی کردن؛ د) خوداظهاری توسط عضو امتیازگیرنده و ه) انتخاب توسط عضو امتیازدهنده. البته، در عمل ممکن است ترکیبی از این روش‌ها مورد استفاده قرار گیرند. در زیر به توضیح مختصر هر یک پرداخته می‌شود.

۲-۱. تعریف ماده ۱۸ گات

از جمله مقرراتی که با استناد بدان می‌تواند به تعریفی از کشورهای در حال توسعه دست پیدا کرد، ماده ۱۸ گات است. این ماده مقرر می‌دارد: «اعضا تصدیق می‌نمایند که دستیابی به اهداف این موافقتنامه، با توسعه روزافزون اقتصاد به ویژه اقتصاد اعضای که تنها حداقل‌های زندگی را تأمین کرده و در مراحل اولیه توسعه قرار دارند تسهیل می‌شود». همچنین به موجب بند چهار (الف): «اعضایی که دارای اقتصادی هستند که تنها حداقل‌های زندگی را فراهم کرده و در مراحل اولیه توسعه قرار دارند، باید بتوانند به‌طور موقت از دیگر مقررات این موافقتنامه با رعایت بندهای الف، ب و ج این ماده عدول نمایند».

ملاحظه می‌گردد این ماده دو معیار ارائه نموده است: یکی تأمین حداقل نیازهای زندگی و دیگری قرار گرفتن در مراحل اولیه توسعه. ضمیمه یک این سند هم تلاش کرده تا به تبیین این دو معیار بپردازد. در خصوص معیار اول، باید وضعیت عادی و طبیعی اقتصاد مورد توجه قرار گیرد و نه اوضاع و احوال استثنائی که ممکن است طی آنها شرایط مطلوبی به وجود آمده و عضو قادر به صادرات کالاهای مهم و اساسی است. در خصوص معیار دوم، این ضمیمه مقرر داشته است، قرار گرفتن در مراحل اولیه توسعه تنها نسبت به اعضای که اقتصاد آنها وارد مرحله توسعه شده است نمی‌شود؛ بلکه اقتصادهایی هم که در فرآیند صنعتی‌سازی بوده تا از این طریق بتوانند وابستگی زیاد خود را به کالاهای اولیه اصلاح و یا برطرف نمایند را هم دربر می‌گیرد. مقررات تکمیلی این ماده متذکر شده‌اند که این دو معیار باید با رویکرد تقریباً موسع به کار گرفته شوند. اما اینکه این دو معیار واجد چه مفهومی هستند، دقیقاً مشخص نمی‌باشد. در این خصوص می‌توان کشور سریلانکا (سیلان قبلی) را مثال زد که تقاضا نمود تا مشمول ماده ۱۸ گات شود. هیات رسیدگی جهت احراز معیار نخست، ابتدا میزان سرانه تولید ناخالص داخلی را بررسی کرد که در سال ۱۹۹۵ حدود ۱۲۸ دلار آمریکا بود. بالاتر از کشورهای چون برمه و هند ولی پائین‌تر از یونان، کوبا و دومینیکن و بسیار پائین‌تر از کشورهای صنعتی اروپای غربی. در خصوص معیار دوم، این هیات به شاخص عمومی یعنی سهم تولیدات این کشور در بخش معدن و ساخت

توجه نمود. که در خصوص معدن که صنعتی اولیه به حساب می‌آمد، میزان سهم تولید حدود ۱۰ درصد بود، کمتر از برمه و یونان و بسیار پائین‌تر از کشورهای صنعتی [۱۹]. اینکه چرا هیأت رسیدگی تنها به سهم معدن در سرانه تولید ناخالص داخلی توجه کرده و دیگر معیارها را مورد توجه قرار نداده است، در گزارش نیامده است. اما آنچه واضح به نظر می‌رسد آنکه چون ماده ۱۸ دقیقاً سازوکارهای احراز این دو معیار را تبیین نکرده است، روش بکارگرفته شده در احراز دو معیار خودسرانه بوده است. لذا شایسته آنکه ماده ۱۸ شرایط و ساز و کار دقیق احراز هر یک از دو معیار فوق را مشخص نماید.

۲-۲. فهرست کردن

همانگونه که تعریف کشور در حال توسعه سخت و دشوار است به تبع آن، فهرست کردن این قبیل کشورها به راحتی میسر نمی‌باشد. فهرست کردن این مزیت را به دنبال دارد که بیشترین قطعیت را در خصوص اینکه فلان کشور توسعه یافته است یا در حال توسعه، بدست می‌دهد. مادامی که عضو در فهرست قرار دارد مستحق دریافت امتیاز است و بالعکس. اما در مقابل این مشکل را می‌تواند به همراه داشته باشد که کشورهای معطی امتیاز نسبت به کشورهایی که در برخی زمینه‌ها با آنها رقابت می‌کنند؛ چندان تمایلی ندارند تا آنها را در فهرست قرار دهند. از عمومی‌ترین فهرست‌ها، فهرست کشورهای با حداقل توسعه یافتگی [۲۰] است که توسط سازمان ملل متحد تهیه شده است. این فهرست دربردارنده کشورهایی است که بیشترین نیاز به دریافت حمایت‌های خاص و ویژه را دارند و به‌طور گسترده مورد پذیرش قرار گرفته است. فهرست هر سه سال یکبار توسط کمیته بررسی توسعه و زیر نظر شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد مورد بازبینی قرار می‌گیرد. معیارهایی که در تدوین این فهرست مورد توجه قرار می‌گیرند عبارتست از: درآمد پائین، سرمایه انسانی ضعیف و آسیب‌پذیری اقتصادی. شرط دیگر آن است که کشور از جمعیت بالای ۷۵ میلیون نفر برخوردار نباشد. معیار میزان درآمد از میانگین درآمد احتمالی ناخالص ملی در طول سه سال محاسبه می‌شود. در خصوص سرمایه‌های انسانی

و آسیب‌پذیری اقتصادی نیز شاخص‌هایی تدوین شده است. [۲۱] اما از جمله اسناد سازمان تجارت جهانی که از روش فهرست کردن استفاده کرده است، می‌تواند به موافقتنامه راجع به یارانه‌ها و اقدامات جبرانی اشاره کرد. به موجب بند ۲ (الف) ماده ۲۷ این سند، ممنوعیت یارانه صادراتی نسبت به کشورهای با حداقل توسعه یافتگی و ۲۰ کشور در حال توسعه‌ای که در فهرست ضمیمه ۷ مشخص شده‌اند، اعمال نمی‌گردد. مادامی که سرانه تولید ناخالص ملی این ۲۰ کشور کمتر از ۱۰۰۰ دلار آمریکا باشد از حقوقی همسان با کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی بهره‌مند می‌گردند. به محض آنکه این رقم به ۱۰۰۰ دلار در سال رسید، با آنها همانند دیگر کشورهای در حال توسعه رفتار می‌شود.

با این وجود، روش فهرست کردن می‌تواند معیایی را داشته باشد. برای مثال، کشور پاکستان به دلیل آنکه دارای جمعیت بیش از ۷۵ میلیون نفر است، نمی‌تواند از امتیازات ویژه کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی برخوردار گردد؛ در حالی که بر اساس سه معیار دیگر، این کشور، جزء کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی است.

۲-۳. طبقه‌بندی کردن

بعضی اعضای سازمان تجارت جهانی همواره طبقه‌بندی کشورها به دسته‌های مختلف و اعطای امتیاز متناسب با هر طبقه را مطرح می‌کنند. اتحادیه اروپا معتقد است اعمال رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه باید متناسب با نیازها و آسیب‌پذیری آنها صورت پذیرد [۱۸].

مسئله‌ای که در این مورد مطرح می‌شود آن است که حتی در نظام عمومی ترجیحات و شرط توانمندسازی هم، اعطای امتیاز باید بدون تبعیض صورت پذیرد. یعنی تمامی کشورهای در حال توسعه باید به نحو یکسان از رفتار ویژه و متفاوت برخوردار گردند؛ حال آنکه طبقه‌بندی کشورها مخالف این قاعده می‌باشد. در اختلاف هند با اتحادیه اروپا این مسئله توسط رکن استیناف حل شده است. در این دعوا، کشور هندوستان مدعی بود که امتیاز اعطایی اتحادیه اروپا در زمینه مواد دارویی به کشور پاکستان، باید بر اساس شرط

توانمندسازی و غیرتبعیض آمیز، یکسان به همه کشورهای در حال توسعه داده شود و تبعیضی در این مورد وجود نداشته باشد. هیات رسیدگی با تفسیر اصل عدم تبعیض، ادعای هندوستان را پذیرفته بود اما رکن استیناف، این تصمیم را در مقام تجدیدنظر، نقض و بیان داشت که تفسیر غیرتبعیض آمیز، به معنای الزام کشور توسعه یافته به اعطای امتیاز تعرفه‌ای برابر به همه کشورهای در حال توسعه نیست. بر این اساس، کشورهای اعطاکننده می‌توانند با توجه به به سطح توسعه یافتگی، قائل به تمایز میان کشورها شوند. در واقع کشور توسعه یافته، چنانچه امتیازی به کشور در حال توسعه اعطا نماید، باید همان امتیاز را به دیگر کشورهای در حال توسعه که از لحاظ اقتصادی با آن کشور در وضعیت برابری هستند، اعطا نماید و نه اینکه الزامی به اعطای آن امتیاز به تمامی کشورهای در حال توسعه داشته باشد. بنا بر استدلال رکن استیناف می‌توان کشورهای در حال توسعه را طبقه‌بندی نمود و متناسب با نیازهایشان به آنها امتیاز داد.

بر اساس طبقه‌بندی موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، کشورها به چهار دسته تقسیم می‌شوند. دسته نخست، کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی قرار می‌گیرند. دسته دوم، بیست کشوری قرار می‌گیرند که در ضمیمه هفت آمده‌اند و میزان سرانه تولید ناخالص ملی‌شان کمتر از ۱۰۰۰ دلار آمریکا است. دسته سوم، کشورهایی هستند که در فرآیند گذار به اقتصاد سرمایه‌گذاری و بازار آزاد هستند. دسته چهارم، دیگر اعضای در حال توسعه را در بر می‌گیرد.

عملکرد بانک جهانی در اعطای وام به اعضا نیز تأییدی بر این روش تشخیصی است. این بانک، بر اساس درآمد ناخالص ملی، کشورها را به چهار دسته تقسیم نموده است. گروه با درآمد پائین، یعنی کشورهایی که میزان درآمد ناخالص ملی آنها تا ۹۰۵ دلار است. گروه با درآمد متوسط به پائین که این رقم در مورد آنها بین ۹۰۶ تا ۳۵۹۵ دلار است. دسته سوم، کشورهای با درآمد متوسط به بالا که درآمد ناخالص ملی آنها بین ۳۵۹۵ تا ۱۱۱۱۵ دلار است و کشورهایی که درآمد ناخالص ملی‌شان از ۱۱۱۱۶ دلار بیشتر باشد، کشورهای با درآمد بالا محسوب شده و در دسته چهارم قرار می‌گیرند.

واقعیت آن است که سازمان تجارت جهانی هنوز از روش طبقه‌بندی همانند آنچه که در بانک جهانی اعمال می‌شود استفاده نکرده است. تنها در مذاکرات اخیر، موسوم به مذاکرات دور دوحه، پیشنهاداتی به ویژه از سوی شورای بین‌المللی رویه تجاری غذا و کشاورزی مطرح شده است که بر اساس آن، کشورهای در حال توسعه به سه گروه تقسیم می‌شوند. کشورهای با حداقل توسعه یافتگی، شامل کشورهایی که دارای منابع انسانی ضعیف و اقتصاد آسیب‌پذیر بوده و درآمد آنها زیر ۹۰۰ دلار آمریکا است. دسته دوم، اعضای با درآمد متوسط به پائین، یعنی کشورهایی که درآمد ناخالص ملی‌شان بین ۹۰۱ تا ۳۰۳۵ دلار است. دسته سوم کشورهای با درآمد متوسط به بالا که این رقم در مورد آنها بین ۳۰۳۵ تا ۹۳۸۵ دلار است. بنابر پیشنهاد این شورا، کشورهای با حداقل توسعه یافتگی الزامی به رعایت حذف تعرفه‌ها و یارانه‌ها ندارند. ویژگی بارز این پیشنهاد آن است که معیار درآمد ناخالص ملی را مهمترین معیار طبقه‌بندی قرار داده است. بدین صورت که بر اساس درآمد ناخالص ملی کشورها در هر یک از این گروه‌ها قرار می‌گیرند، اما عضو می‌تواند با اثبات آسیب‌پذیر بودن اقتصاد خویش، مدعی قرار گرفتن در دسته پائین‌تر و در نتیجه بهره‌مندی از امتیازات بیشتر گردد.

ذکر این نکته ضروری است که این طبقه‌بندی‌ها در سازمان تجارت جهانی یا تنها محدود به موضوعات و حوزه‌های خاصی چون یارانه‌ها و محصولات کشاورزی شده است و یا اساساً در حد بحث و مذاکره باقی مانده و هنوز جامه عمل نپوشیده است. چه بسا ترسیم مرز دقیق میان این دسته‌ها می‌تواند چالش‌ها و تعارضات با اصل کامله‌الوداد را بیش‌تر نماید.

۴-۲. خوداظهاری توسط عضو امتیاز گیرنده

خوداظهاری روش فعلی تشخیص عضو در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی به شمار می‌آید. اعضا خود اعلام می‌نمایند که توسعه یافته یا در حال توسعه هستند. با این وجود، اعضای دیگر می‌توانند به این اعلام و در نتیجه بهره‌مندی آن کشور از امتیازات مقرر اعتراض نمایند. در این صورت، بار اثبات این ادعا، بر عهده عضو معترض است.

البته اظهار عضو قطعیت نداشته و در مواردی این خوداظهاری ممکن است با محدودیت یا ممنوعیت مواجه شود. برای مثال، عضو نمی‌تواند خود را به‌عنوان کشوری با حداقل توسعه‌یافتگی معرفی نماید. یا به موجب موافقتنامه راجع به یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، هرچند عضو می‌تواند خود را به‌عنوان کشور در حال توسعه معرفی نماید اما نمی‌تواند خود را به‌عنوان کشوری با حداقل توسعه‌یافتگی و یا جزء بیست کشور مشخص شده در ضمیمه معرفی نماید. در برخی موارد، خوداظهاری عضو ممکن است به موجب موافقتنامه دو یا چندجانبه محدود شود. در سطح دو جانبه، عضو می‌تواند بنا به اختیار ماده ۳۵ گات اعلام نماید که موافقتنامه نسبت به او اعمال نمی‌گردد.

همچنین این احتمال وجود دارد که به هنگام الحاق به سازمان و به موجب پروتکل الحاقی و یا به موجب گزارش کارگروه بررسی‌کننده الحاق متقاضی، مقرر گردد که رفتار ویژه و متفاوت با عضو جدید محدود گردد. کشور چین نمونه این مورد است. همانگونه که در گزارش کارگروه آمده است: «به دلیل مساحت قابل توجه، رشد سریع و طبیعت در حال گذار اقتصاد چین، یک رویکرد واقع‌گرایانه در خصوص این کشور نسبت به بهره‌مندی آن، از مقررات ویژه‌ای که برای دیگر کشورهای در حال توسعه وجود دارد، باید اتخاذ گردد. هرگونه موافقتنامه و وضعیت چین باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد». بنابراین کشور چین هرچند خود را در حال توسعه معرفی کرده بود؛ اما متفاوت با دیگر کشورهای در حال توسعه با وی رفتار شد. همچنین هشت سال رفتار موقت که به موجب موافقتنامه راجع به یارانه‌ها به کشورهای در حال توسعه اعطا می‌گردید به چین اعطا نشد. یا به موجب راهکار امنیتی ویژه که در پروتکل الحاقی آمده بود، محدودیت‌های راجع به سهمیه‌بندی نسبت به کالاهای صادراتی چین به آمریکا و اروپا تا پایان سال ۲۰۰۷ حذف نشدند؛ هرچند این محدودیت‌ها باید به موجب موافقتنامه منسوجات و پوشاک برداشته می‌شدند. بنابراین شناسایی کلی وضعیت عضو در حال توسعه لزوماً به معنای آن نیست که آن عضو می‌تواند از تمامی امتیازات و رفتارهای ویژه و متفاوت بهره‌مند گردد.

چنانچه بین دو عضو در خصوص وضعیت در حال توسعه بودن یکی از آنها اختلافی حادث شود، این اختلاف باید بر اساس سازوکار حل و فصل اختلاف سازمان و توسط رکن حل و فصل دعاوی که شامل داوران، هیات رسیدگی و رکن استیناف است، حل و فصل گردد. با این وجود، رکن حل و فصل دعاوی، با احتیاط بسیاری، وضعیت عضو را در حال توسعه اعلام می‌نماید. شاهد این ادعا، اختلاف مربوط به اقدامات حفاظتی آمریکا نسبت به فلزات است. در این اختلاف، چین ادعا نمود که عضو در حال توسعه به شمار می‌رود و در نتیجه آمریکا باید به موجب ماده ۹،۱ موافقتنامه امنیتی با وی رفتار ویژه و متفاوت داشته باشد. استدلال چین آن بود که وضعیت خوداظهاری باید اعمال گردد و مادامی که این خوداظهاری توسط عضو دیگر با دلایل متقن و مناسب مورد اعتراض قرار نگیرد، باید از امتیازات بهره‌مند گردد. ایالات متحده آمریکا با این استدلال مخالفت کرد و به رویکرد واقع‌گرایانه گزارش کارگروه بررسی الحاق چین استناد کرد. در نهایت، هیات رسیدگی این موافقتنامه را از شمول تعهدات سازمان خارج دانست و اساساً راجع به آن اظهارنظر نکرد.

حتی اگر رکن حل و فصل دعاوی هم با خوداظهاری عضو مبنی بر در حال توسعه بودن مخالفتی ننماید، در مواردی ممکن است آن عضو مجبور باشد تا استحقاق خود به برخورداری از رفتار ویژه و متفاوت را اثبات نماید. برای مثال، در اختلاف راجع به مالیات بر مشروبات الکلی شیلی که به داوری مقرر در ماده ۲۱،۳ «تفاهم‌نامه راجع به قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلاف» ارجاع شده بود، شیلی ضمن استناد به ماده ۲۱،۲ تفاهم‌نامه که مقرر می‌داشت: «به موضوعات تأثیرگذار بر منافع اعضا در حال توسعه که به حل و فصل اختلاف ارتباط می‌یابد باید توجه ویژه‌ای مبذول داشته شود»، درخواست نمود تا مهلت بیشتری به‌عنوان «مدت زمان متعارف» جهت انجام دستورات رکن حل و فصل دعاوی به وی اعطا گردد. داور چنین اظهار عقیده نمود که وضعیت شیلی بسیار خاص و عینی نیست و لذا اقتضای اعطای مهلت بیشتر را ندارد.

شایان ذکر است این روش که خود عضو بتواند با خوداظهاری

خود را کشور توسعه یافته یا در حال توسعه اعلام نماید باعث شده است که اکثر اعضا که تمایل دارند از تسهیلاتی که برای کشورهای در حال توسعه به ویژه رفتار ویژه و متفاوت بهره‌مند گردند، خود را در حال توسعه معرفی نمایند. لذا مشاهده می‌گردد که اکثریت اعضای سازمان جزء کشورهای در حال توسعه به شمار می‌روند. این عامل نیز در عدم تحقق کارایی و اثربخشی مقررات راجع به رفتار ویژه و متفاوت بی‌تأثیر نبوده است. جالب آنکه، راهکار ارتقا وضعیت عضو از وضعیت در حال توسعه به وضعیت توسعه یافته مشخص نمی‌باشد. شایسته بود تا یک بازه زمانی و یا یک معیار مشخص، تعیین شده و عضو در حال توسعه مکلف گردد خود را از وضعیت فعلی ارتقا دهد، تا رفتار ویژه به عضو مستحق واقعی تعلق گیرد. فقدان معیار باعث گردیده است تا کشورهای توسعه یافته بدون هیچگونه توجیه یا دلیلی، کشوری را از دریافت امتیازات محروم و یا بدان امتیاز دهند.

۵-۲. انتخاب توسط عضو امتیاز دهنده

در برخی مواقع، این عضو امتیاز دهنده است که تعیین می‌کند کدام کشور در حال توسعه بوده و در نتیجه مستحق بهره‌مندی از رفتار ویژه و متفاوت است. عضو متقاضی امتیاز نیز ممکن است به تصمیم عضو توسعه یافته معترض بوده و خواستار شناسایی آن به عنوان کشوری در حال توسعه شود. اما واقعیت آن است که عضو در حال توسعه کمتر در این مسیر موفق شده و تصمیم عضو توسعه یافته همواره برتری دارد. علت این اولویت را باید در این مساله جستجو نمود که اعضای توسعه یافته خود را متعهد به اعطای امتیاز و یا رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه ندانسته و آن را صرفاً یک تعهد اخلاقی به حساب می‌آورند. شایان ذکر است که مساعدت و کمک کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه تنها محدود به سازمان تجارت جهانی نیست و در سطح بین‌الملل نیز همواره این موضوع از مصادیق چالش برانگیز میان این دو دسته از کشورها بوده است. کشورهای در حال توسعه، حق توسعه را به عنوان حق دریافت مساعدت جهت دستیابی به سطحی از توسعه تفسیر کرده‌اند و بر این اعتقادند که چنین مساعدتی باید به‌طور حتم انجام گیرد.

اما در مقابل، کشورهای توسعه یافته هیچ‌گاه به وجود چنین وظیفه کلی اذعان نکرده‌اند و اعطای چنین کمکی را تا جایی تکلیفی قانونی (متمایز با تکلیفی اخلاقی) می‌دانند که بر تعهداتی معین در این مورد کردن نهاده باشند. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضایای متعددی به درستی مقرر داشته است که اعطای کمک، بیشتر ماهیتی یکجانبه و داوطلبانه دارد و قطع کمک را نمی‌توان ناقض اصل حقوق عرفی عدم مداخله قلمداد کرد. کشورهای در حال توسعه قادر نیستند چنین حقی را برخلاف تمایل کشورهای توسعه یافته به آنها تحمیل کنند. مخالفت مستمر کشورهای توسعه یافته در مقابل چنین حقی، مانع از آن شده است تا حق مزبور، به‌عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی قلمداد گردد.

با وجود این، کشورهای توسعه یافته، به‌طور اصولی موافقت کرده‌اند که از تلاش کشورهای در حال پیشرفت حمایت کنند؛ اما این کار را بدون پذیرش هرگونه تعهد حقوقی و فقط بر اساس روح همبستگی جهانی انجام می‌دهند. این کشورها امیدوارند از این طریق بتوانند خطر طغیان جهانی دولتهای فقیر علیه خود را دفع کنند. با این حال، این همبستگی یک طرفه نیست. کشورهای توسعه یافته برآنند که مساعدت خود را به اجازه دسترسی خویش به مواد خام با ارزش از سوی کشورهای در حال توسعه و وابستگی سیاسی آنها منوط کنند. این امر موجب خشم شدید کشورهای در حال توسعه شده است و بر همین اساس آنها شعار «تجارت نه کمک» سر می‌دهند.

بنابراین اعطای کمک به اعضا در حال توسعه کاملاً به صلاحدید عضو توسعه یافته واگذار گردیده است. این اعضا نیز عموماً و غالباً اعطای کمک را به رعایت شرایط خویش وابسته می‌نمایند. نمونه‌ای از این اقدامات مشروط، استانداردهای کار و محیط زیست است که اتحادیه اروپا جهت بهره‌مندی کشورهای در حال توسعه از ترجیحات تجاری مقرر داشته است [۲۲]. در عین حال، این امر می‌تواند باعث اعمال سلیقه‌ای این معیار گردد و فلسفه وجودی کمک به کشورهای در حال توسعه را مخدوش نماید. زیرا ممکن است کشورهای توسعه یافته، از این مساله سوء استفاده کرده و آن را وسیله‌ای برای برآورده ساختن اهداف غیرتجاری خود قرار دهند [۲۳].

۳. معیار تشخیصی عضو در حال توسعه

علیرغم دشواری‌هایی که وجود دارد، بکارگیری معیارهای عینی جهت تشخیص اعضا در حال توسعه غیرممکن هم نیست. جهت موفقیت در این زمینه لازم است تا از تجربه راهکار شناسایی کشورهای با حداقل توسعه‌یافتگی که توسط سازمان ملل تدوین شده است استفاده گردد. هرچند طراحی معیار عینی که بتواند در سطح وسیعی مورد پذیرش قرار گیرد، کار دشواری است، اما جهت اثربخشی بیشتر رفتار ویژه و متفاوت ضروری است. در زیر به پاره‌ای از معیارهایی که می‌تواند در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد، اشاره می‌گردد.

۱-۳. درآمد ملی

شاید بهترین مولفه اندازه‌گیری سطح توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان درآمدی است که در هر سال تولید یا تحصیل می‌شود. شاخص‌های اندازه‌گیری درآمد ملی معمولاً بر طبق نظام حسابداری ملی آمریکا محاسبه می‌شود. از مهمترین شاخص‌های اندازه‌گیری درآمد ملی، سرانه تولید ناخالص داخلی و درآمد ناخالص ملی است. از میان این دو شاخص، درآمد ناخالص ملی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. همانگونه که پیشتر اشاره شد، در طبقه‌بندی بانک جهانی، فهرست کشورهای با حداقل توسعه‌یافتگی سازمان ملل و پیشنهاد شورای بین‌المللی رویه تجاری غذا و کشاورزی هم از این شاخص استفاده شده است. علت ارجحیت این شاخص هم آن است که بهتر از دیگر شاخص‌ها، سطح رفاه کشورها را اندازه‌گیری می‌نماید.

۲-۳. جنبه اجتماعی توسعه

توجه به تعاریف توسعه که در گذشته بدانها اشاره شد بیانگر آن است که بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی توسعه توجه شده است؛ حال آنکه همانگونه که برخی گفته‌اند: توسعه یک آزادی است، آزادی فرای درگیر شدن در مبادلات اقتصادی، یعنی آزادی سیاسی و فرصت‌های اجتماعی [۲۴]. بنابراین در بررسی مفهوم توسعه به جنبه‌های اجتماعی توسعه مانند کیفیت زندگی انسانی و نحوه شکل گرفتن سرمایه‌های انسانی بایستی توجه شود. این

از جمله دعاوی‌ای که در خصوص تعیین کشور در حال توسعه توسط عضو امتیازدهنده گزارش شده است، می‌توان به اختلاف آمریکا و چین راجع به محصولات فلزی اشاره نمود. به موجب ماده ۹،۱ موافقتنامه حفاظتی، این موافقتنامه نسبت به محصولات تولیدی در کشورهای در حال توسعه مادامی که سهم واردات آن محصول متجاوز از سه درصد نباشد، اعمال نمی‌شود؛ مشروط بر آنکه، مجموع سهم کل کالاهای وارداتی بیش از ۹ درصد نباشد. به موجب این سند، آمریکا ملزم شده بود تا چنانچه اقدامات امنیتی را شروع نماید با کشورهای در حال توسعه‌ای که نامشان در فهرست مشخص شده است؛ رفتار ویژه و متفاوت داشته باشد. کشور چین مدعی بود که این فهرست دلبخواهی است و معیار مشخص شده در آن هیچ ارتباطی به میزان سطح توسعه‌یافتگی ندارد و موجب تضییع حقوق دیگر اعضای در حال توسعه می‌گردد. استدلال دیگر چین آن بود که نمی‌توان در یک زمان، کشوری را از لحاظ آمریکا در حال توسعه تلقی کرد ولی از لحاظ اتحادیه اروپا خیر و یا بالعکس. آمریکا در مقابل مدعی بود که وی الزامی به اعطای امتیاز به تمامی کشورهای در حال توسعه ندارد و این تنها حقی برای آن کشور است تا به صلاحدید خود به هر عضوی که می‌خواهد امتیاز اعطا نماید [۱۸]. هرچند استدلال آمریکا با اصول و قواعد سازمان هماهنگ بود، اما استدلال چین نیز حاکی از دغدغه اعضای در حال توسعه مبنی بر ابهام در الزام آور بودن رفتار ویژه و متفاوت و سلیقه‌ای شدن آن بود.

تا بدینجا ملاحظه شد که روش خوداظهاری هرچند رایجترین روش تشخیصی عضو در حال توسعه است اما در عمل با محدودیت‌های زیادی روبرو می‌باشد. سلیقه‌ای شدن اعمال رفتار ویژه و متفاوت توسط اعضای امتیازدهنده باعث سردرگمی و ابهام اعضای در حال توسعه شده است تا بیشتر به آنها کمک نماید. با این وجود، انتخاب توسط اعضای امتیازدهنده موثرترین روش تشخیصی عضو در حال توسعه به شمار می‌رود. برای کاستن از مشکلات ناشی از این فرآیند تشخیصی لازم است تا روشی الزام‌آور با ضمانت اجرای حقوقی طراحی گردد. توجه به معیارهای زیر می‌تواند تا حدود زیادی به تحقق این هدف کمک شایانی نماید.

امر در فهرست کشورهای با حداقل توسعه‌یافتگی سازمان ملل دیده شده است. شاخص سرمایه‌های انسانی بیانگر این جنبه از موضوع است. عناصر این شاخص در بردارنده میزان کالری مصرف شده، میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال، میزان ثبت نام در مقاطع راهنمایی و بزرگسال است. در گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل، شاخص توسعه انسانی همچنین در بردارنده اطلاعاتی از قبیل امید به زندگی، نرخ باسوادی بزرگسالان، ثبت نام در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و همچنین سرانه تولید ناخالص داخلی بوده است.

دومین جنبه‌ای که از این منظر باید مورد توجه قرار گیرد، ساختار اقتصادی است. توجه به شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی که ضمیمه فهرست تهیه شده توسط سازمان ملل است می‌تواند مفید باشد. مولفه‌های سازنده این شاخص عبارتند از: سهم تولیدات و خدمات پیشرفته در سرانه تولید ناخالص داخلی، شاخص تمرکز صادرات کالاهای تجاری، ناپایداری محصولات کشاورزی و همچنین صادرات کالاها و خدمات. سومین جنبه، پایدار بودن توسعه است. دوستداران محیط زیست، شاخص «سیاره خوشحال» [۲۵] را طراحی کرده‌اند که در این شاخص، کشورهای صنعتی ثروتمند به‌طور خودکار در رتبه‌ای پایین‌تر از کشورهای بسیار فقیر قرار می‌گیرند، زیرا این کشورها از منابع طبیعی بیشتری استفاده می‌کنند و در نتیجه اثر زیانبارتری بر محیط زیست دارند.

علاوه بر شاخص فوق، شاخص‌های دیگری توسط سازمان‌های بین‌المللی و مردم نهاد طراحی شده‌اند. از نمونه آنها می‌توان به شاخص توسعه نسل‌محور [۲۶]، شاخص اندازه‌گیری توانمندسازی نسل‌ها، [۲۷] شاخص فقر انسانی، [۲۸] شاخص دستیابی به فناوری‌ها [۲۹] و همچنین شاخص توسعه و تجارت آنکتاد [۳۰] اشاره کرد. ملاحظه می‌شود هر کدام از این شاخص‌ها که طراحی آنها فرآیند پیچیده و زمانبری را طی کرده است، بیانگر یک جنبه از مفهوم توسعه هستند که در تشخیص کشورهای در حال توسعه باید مورد توجه قرار گیرند. در واقع چنانچه در بسته تعریف شده برای کشورهای در حال توسعه از تمامی مولفه‌های مربوط به توسعه استفاده شود، فرآیند تشخیص، دقیق‌تر و به واقعیت‌تر، نزدیکتر است؛ مساله‌ای

که به نظر می‌رسد در روش‌های فعلی فرآیند تشخیص مورد غفلت واقع شده است. زیرا آنها بیشتر بر جنبه‌های تجاری و اقتصادی موضوع تأکید کرده‌اند.

۳-۳. مساحت سرزمین

در فهرست کشورهای با حداقل توسعه‌یافتگی سازمان ملل، کشورهای دارای جمعیت بالای ۷۵ میلیون نفر استثنا شده‌اند. حال این سوال قابل طرح است که آیا مساحت سرزمینی کشور باید در تشخیص عضو در حال توسعه مد نظر قرار گیرد یا خیر؟ واقعیت آن است که هیچ دلیل تجربی وجود ندارد که وسعت یک کشور با درجه توسعه‌یافتگی آن ارتباط داشته باشد. با این حال، گفته می‌شود که مساحت بر آزادی تجاری ارتباط معکوس دارد. اقتصاددانان بر این عقیده‌اند که کشورهای کوچک توانایی آن را ندارند تا نظام تجاری خود را بسته نگه دارند و از همین روی، انگیزه بیشتری برای باز بودن دارند. کشورهای بزرگتر، بیشتر می‌توانند به نیروی کار داخلی و تبادل کالاهای داخلی تکیه کنند. لذا در شرایط مساوی، استفاده از نظام تعرفه‌ها و سهمیه‌بندی، این امکان را به کشورهای بزرگ می‌دهد تا از منفعت افزایش دوره تجاریشان حداکثر استفاده را بنمایند.

این موضوع در رابطه با رفتار ویژه و متفاوت بالعکس است. اولین استدلال آن است که اعمال رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای کوچک نباید به آزادی تجاری آنها منوط شود. زیرا چنین امری برای توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی آنها سودمند نیست. استدلال دیگر آن است که کشورهای بزرگ، باید بیشتر تحت کنترل باشد. زیرا آنها انگیزه بیشتری برای استفاده از امتیازات دارند تا از بازارهای داخلی‌شان حمایت کنند و این امر می‌تواند به منافع دیگر کشورها لطمه وارد آورد.

منتها نوع رفتار ویژه‌ای که با این دو دسته از کشورها می‌شود باید متفاوت باشد. بدین ترتیب که به کشورهای کوچک، مساعدت فنی و نه انعطاف‌پذیری تعهدات اعطا گردد. کشورهای بزرگ مشمول تعدیل هزینه‌ها شوند. زیرا به دلیل حجم مبادلات اقتصادی، مجبور به مشارکت زیادتر در فعالیت‌های سازمان بوده و این مشارکت با هزینه زیاد همراه است.

محصول برای دو سال متوالی برسد، آن عضو در آن محصول دارای قدرت رقابت‌پذیری صادراتی شناخته می‌شود.

منتها در اعمال این راهکار علاوه بر اینکه باید اطمینان حاصل شود که رفتار ویژه و متفاوت به کشورهایی اعطا می‌گردد که نیاز بیشتری دارند، دو مساله باید مورد توجه قرار گیرد. نخست، سهم بالای عضو در صادرات یک محصول ممکن است علامت تک محصولی بودن اقتصاد آن باشد. در این مورد نه تنها این عضو ضرورتاً نباید از دریافت امتیازات محروم شود، بلکه نوع خاصی از امتیازات باید به وی اعطا گردد. برای مثال، یارانه آن محصول قطع یا کم شود و یا به آن مساعدت فنی اعطا گردد. دوم آنکه سهم صادرات، معیار خوبی برای احراز رقابت‌پذیری در آن محصول به شمار نمی‌رود. مثلاً معیار ۳/۲۵ درصدی سهم صادرات نباید برای کشور بزرگی چون برزیل همانند کشور کوچکی مثل کامرون باشد. به همین دلیل، اقتصاددانان معمولاً از مزیت نسبی آشکار شده [۳۲] جهت اندازه‌گیری رقابت‌پذیری استفاده می‌کنند. بر اساس این فرمول، صادرات آن کالای خاص در یک کشور تقسیم بر صادرات جهانی آن کالا می‌شود. عددی که به دست می‌آید بر سهم صادرات آن کشور در کل صادرات جهانی تقسیم می‌گردد. ملاحظه می‌گردد که استفاده از این معیار در مقایسه با سهم ساده صادراتی مطمئن‌تر است [۱۸].

جمع‌بندی و ملاحظات

نظر به مزایا و تسهیلاتی که سازمان تجارت جهانی برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشورهایی که از لحاظ توسعه‌یافتگی در وضعیت مطلوبی نیستند، در نظر گرفته است، شناسایی و تشخیص این قبیل اعضا همواره از مهمترین مسائل و چالش‌های این سازمان بوده است. روش‌های مختلفی شامل تعریف مندرج در ماده ۱۸ گات، فهرست کردن، طبقه‌بندی کردن، خوداظهاری عضو و انتخاب توسط عضو امتیازدهنده برای این امر وجود دارد. خوداظهاری رایجترین و انتخاب توسط عضو امتیازدهنده موثرترین شیوه می‌باشد. علت این امر، سلیقه‌ای بودن اعمال رفتار ویژه و متفاوت توسط عضو توسعه‌یافته است که همواره توسط اعضای در حال توسعه مورد اعتراض قرار گرفته است.

مشکل دیگری که کشورهای کوچک ممکن است با آن مواجه شوند و در ارائه معیار تشخیص عضو در حال توسعه بهتر است بدان توجه شود، دور بودن آنها از بازارهای بزرگ است. درحالی که این موضوع برای کشورهای بزرگ یک موضوع جدی نیست. به همین دلیل، سازمان ملل، فهرست غیررسمی دولت‌های جزیره‌ای کوچک در حال توسعه [۳۱] را جهت تجزیه و تحلیل مشکلاتی که این قبیل کشورها با آن روبرو هستند، تدوین کرده است. هرچند مشکل پیش‌گفته در این فهرست مورد توجه خاص قرار نگرفته، ولی توجه به کلیات آن مفید است.

بنابراین در مورد کشورهای کوچک، علاوه بر جمعیت باید مولفه‌های دیگری همچون سرانه تولید ناخالص داخلی هم مورد بررسی قرار گیرد. یعنی نباید صرفاً عامل جمعیت، معیاری جهت بهره‌مندی یا عدم بهره‌مندی عضو از امتیازات در نظر گرفته شود. زیرا کشور بزرگ ممکن است دارای جمعیت فقیر بیشتر و مشکلات داخلی پیچیده‌تر باشد. در نتیجه، تمرکز بر کشورهای با حداقل توسعه‌یافتگی و یا کشورهایی که از حیث وسعت کوچک هستند، نمی‌تواند مرز دقیق توسعه‌یافتگی و یا در حال توسعه بودن را ترسیم نماید.

۳-۴. رقابت‌پذیری بخش محور

معیار دیگری که در تشخیص عضو در حال توسعه بهتر است تا مورد توجه قرار گیرد، آن است که وضعیت اقتصادی عضو در بخش‌های مختلف و موضوعات متفاوت از یکدیگر تفکیک شوند. بدین معنی که ممکن است عضو در یک موضوع تجاری و اقتصادی در وضعیت مطلوب‌تری نسبت به سایر بخش‌ها قرار داشته باشد. چون هدف از اعمال رفتار ویژه و متفاوت، کمک به عضو در جهت ارتقای وضعیت اقتصادی و پیشرفت است، در نتیجه در بخش‌هایی که آن عضو در وضعیت مطلوبی قرار دارد، چه بسا نیاز به رفتار ویژه و متفاوت نداشته باشد و یا بالعکس. در موافقتنامه راجع به یارانه‌ها همین مساله دیده شده است. چنانچه سهم صادرات یک عضو در حال توسعه در خصوص یک محصول به حداقل ۳/۲۵ درصد کل تجارت جهانی آن

اعضای توسعه‌یافته تنها متعهد به بیشترین تلاش شده‌اند؛ بدون آنکه الزامی حقوقی با چارچوبی مشخص در این خصوص برای آنها وجود داشته باشد. همین موضوع سبب شده است تا اعمال رفتار ویژه و متفاوت در بسیاری از مواقع، خودسرانه شده و اعضای توسعه‌یافته، رفتار ویژه و متفاوت را تنها در قبال کشورهایی در پیش گیرند که معیارها و استانداردهای آنان را رعایت می‌کنند.

نظر به اینکه مفهوم توسعه یک مفهوم ساده و بسیط نبوده و خود دارای جنبه‌های مختلف و متفاوت است، شاید از بهترین پیشنهادهایی که می‌تواند در طبقه‌بندی صحیح از میزان توسعه‌یافتگی کشورها ارائه گردد، آن است که در هر یک از طبقه‌بندی‌ها مشخص گردد کدام مولفه توسعه مدنظر است. سرانه تولید ناخالص داخلی، میزان امید به زندگی و میزان درآمد از مهمترین این شاخص‌ها هستند. روش جاری تعیین کشور در حال توسعه یعنی اعلام خود عضو نیز باعث گردیده است تا تنوع و گوناگونی زیادی بین کشورهای مختلف وجود داشته باشد و نظام عمومی ترجیحات نتواند به اهداف خود دست یابد.

لذا در جهت حل مسائل و مشکلات ناشی از فرآیند تشخیص اعضای در حال توسعه، توجه به نکاتی چند ضروری است: نخست آنکه، شاخص‌ها و مولفه‌های متعددی که در انواع روش‌های فعلی وجود دارند، شناسایی و سپس از مجموعه آنها در فرآیند تشخیص عضو در حال توسعه استفاده گردد و تنها به جنبه تجاری و اقتصادی توسعه توجه نشود. دوم، کمیته‌ای جهت نظارت بر فرآیند تشخیص، بهره‌مندی از مزایا و امتیازات و همچنین بررسی اعتراض اعضا نسبت به قرار گرفتن آنها در طبقه‌ای خاص تشکیل شود تا به‌طور مستمر بر کلیه امور نظارت نموده و اطلاعات مرتبط را جهت اصلاح نظام حاکم بایش نماید. سوم، امتیازات و مزایا، متناسب با میزان نیاز هر عضو، بدان اعطا شده و بخش‌ها و زمینه‌های مختلف تجاری از یکدیگر تفکیک گردند تا اثربخشی این نظام به بهترین وجه صورت پذیرد. چهارم، اعمال رفتار ویژه و متفاوت توسط اعضای توسعه‌یافته به الزامی حقوقی تبدیل شده و ضمانت اجرا و چارچوب آن دقیقاً مشخص گردد تا اعضای در حال توسعه از ابهام و سردرگمی موجود رهایی یابند و پنجم، با کنارگذاشتن روش فعلی تشخیص عضو در

حال توسعه یعنی خوداظهاری، کشورهای در حال توسعه بسته به نیازهایشان طبقه‌بندی شده و هر طبقه امتیازات و ترجیحات خاص خود را از دیگر اعضا دریافت نماید.

پی‌نوشت

۱. ماده ۱۸ گات مقرر داشته است که اعضای که دارای اقتصادی هستند که تنها قادر به تامین پائین‌ترین سطح زندگی بوده و در مراحل اولیه توسعه قرار دارند، می‌توانند از امتیازات این ماده استفاده کنند. بدیهی است این عبارت، نمی‌تواند تعریف دقیقی از این قبیل کشورها ارائه نماید. زیرا این ماده تعیین نکرده است که حداقل معیارها چگونه باید باشد و تقریباً تمامی کشورها می‌توانند مدعی آن باشند که در مراحل اولیه توسعه قرار دارند.

2. WTO, 2008.
3. Horn and Mavroidid, 1992.
4. Keck and Low, 2004.
5. Matsushita, Schoenbaum, and Mavroidis 2003.
6. Bown & Hoekman, 2005.
7. Fredrich List
8. List, 1885.
۹. علیرغم این استدلال، برخی با آن مخالفت کرده و معتقدند که اصلاح نظام مالی و بازار کشورهای در حال توسعه و صنعتی‌سازی واردات محور (Import-Substituting Industrialization) و صنعتی‌سازی صادرات محور (export-oriented industrialization)، بجای کمک به کشورهای در حال توسعه اولویت دارد. ایشان رشد و توسعه کشورهای آسیایی چون هنگ کنگ، تایوان، سنگاپور و کره جنوبی را مثال می‌زنند. (Krugman and Obsfeld) (۲۰۰۳)، (۲۵۷)
10. Arda, and Ostensson, 2002.
11. Best Endeavor
12. Hoekman and Kostecki, 2001.
13. CIA, 2006.
14. Osakwe, 2011.
15. O'Brien and Zandvliet, 2012.
16. Nielsen, 2013.
17. EC. Different Needs, Different Responsibilities, 2008.
18. Cui, 2008.
19. GATT, 1957.
20. List of the Least Developed Countries (LDCs)

- Development Review, Volume 1, Issue 1.
- EC, Different Needs, Different Responsibilities: What is the EU Asking from Developing Countries?, available at: ec.europa.eu/comm/trade/issues/global/development/pr141205_en.htm
- Engelsman, Fleur (2008), WTO Compatibility of the EC 2006-2015 Generalized System of Preferences, Master Thesis, Public Policy & Human Development, Maastricht Graduate School of Governance.
- GATT Panel Report, Ceylon-Article XVIII Applications, GATT Doc. L/71 (26 Nov. 1957).
- Harrison, James (2005), "Incentives for Development: The EC's Generalized System of Preferences, India's WTO Challenge and Reform," *Common Market Law Review*, Vol. 42, Issue 6.
- Hoekman, B.M. & Kostecki, M.M. (2001), *The Political Economy of the World Trading System: The WTO and Beyond*, 2nd ed., Oxford University Press.
- Hoekman, B., Michalopoulos, C. and Winters, A. (2003), "More Favorable and Differential Treatment of Developing Countries: Toward a New Approach in the World Trade Organization," *The World Bank Policy Research Working Paper*, Series no. 3107, Washington.
- Horn, H. and Mavroidis, P.C (1999), "Remedies in the WTO Dispute Settlement System and Developing Country Interests," *World Bank Working Paper*, Washington.
- ICJ, 18 December 1951, *Anglo-Norwegian Fisheries Case*, ICJ Reports 1951, p. 131, ILR 18, p. 93.
- ICJ Reports, Judgment of 27 June 1986, *Nicaragua v. Unites States*, Merits, 1986, p. 138, para. 276.
- International Food and Agricultural Trade Policy Council, *An IPC Position Paper, A New Approach to Special and Differential Treatment* (15 September 2004).
- Keck, A & Low, P. (2004), "Special and Differential Treatment in the WTO: Why, When and How?," *WTO Staff Working Paper ERSD-2004-03*, Geneva.
- Krugman, P. & Obsfeld, M. (2003), *International*
21. Human assets index (HAI)/ economic vulnerability index (EVI)
 22. Harrison, 2005.
 23. Bartels, 2003.
 24. Sen, 1999.
 25. The Happy Planet Index
 26. Gender Related Development Index (GDI)
 27. Gender Empowerment Measure (GEM)
 28. Human Poverty Index (HPI)
 29. Technological Achievement Index (TAI)
 30. Trade and Development Index (TDI)
 31. Small Island Developing States (SIDS)
 32. Revealed Comparative Advantage (RCA)

منابع

هوهن فلدرن، آیگانتس زایدل (۱۳۸۵)، حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه دکتر سید قاسم زمانی، چاپ چهارم، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی، تهران.

Alesina and Wacziarg (1998), "Openness, Country Size and Government," *Journal of Public Economics*, Vol. 69.

Arda, M. & Ostensson, O. (2002), "Commodity Branch, Issues Pertaining to Single Commodity Exporters," *FAO Discussion Paper*, No. 5.

Babu, R.Rajesh (2011), "Cause and effect of differentiation between developing countries in the WTO", *International Journal of Private Law*, Vol. 4, No. 3.

Bartels, Lorand, (2003), "The WTO Enabling Clause and Positive Conditionality in the European Community's GSP Program," *Journal of International Economic Law*, Vol. 6, No. 2.

Bown, C.P. & Hoekman, B.M. (2005), "WTO Dispute Settlement and the Missing Developing Country Cases: Engaging the Private Sector," *Journal of International Economic Law*, Vol. 8.

Chang, H.J. (2002), *Kicking Away the Ladder-- Development Strategy in Historical Perspective*, London: Anthem Press.

CIA, *The World Factbook 2006*, available at: www.cia.gov/cia/publications/factbook/index.html.

Cui, Fan (2008), "Who Are the Developing Countries in the WTO?," *The Law and*

Accession of China, WTO doc. WT/ACC/CHN/49 (1 October 2001).

WTO, Who are the Developing Countries in the WTO?, available at:

www.wto.org/english/tratop_e/devel_e/dlwtto_e.htm,

Economics, 6th edn, Pearson Education International.

List, F. (1885), The National System of Political Economy, London, Longmans, Green, and Co.

Matsushita, M. Schoenbaum, T. and Mavroidis, P. (2003), The World Trade Organization: Law, Practice and Policy, Oxford University Press.

Nielsen, Lyne (2013), "How to Classify Countries Based on Their Level of Development", Social Indicators Research Journal, Vol. 114.

O'Brien, Brynn and Zandvliet, Ruben (2012), "Defining development in WTO law: the legality and parameters of labour rights conditionality in the Generalised System of Preferences," Third Biennial Global Conference, National University of Singapore, NUS Faculty of Law, Center for International Law, July 12 - 14.

Osakwe, Chiedu (2011), "Developing Countries and GATT/WTO Rules: Dynamic Transformations in Trade Policy Behavior and Performance", Minnesota Journal of International Law, Vol. 20, No. 2.

Qian, MA (2012), "Reasonable Period of Time in the WTO Dispute Settlement System," Journal of International Economic Law, Vol. 15, issue. 1.

Sen, Amartya (1999), Development as Freedom, New York, Random House.

UN Committee for Development Policy, Report on the Eighth Session, Economic and Social Council Official Records Supplement no. 13 (March 2006).

UNDP, Human Development Report 2005, available at: hdr.undp.org

WTO Article 21.3 (c) Arbitration Report, Chile Taxes on Alcoholic Beverages, WTO Doc. WT/DS87/15 (23 May 2000),

WTO Appellate Body Report, European Communities-Conditions for the Granting of Tariff Preferences to Developing Countries, WTO doc. WT/DS246/AB/R (7 April 2004).

WTO Panel Report, United States: Definitive Safeguard Measures on Imports of Certain Steel Products, WTO doc. WT/DS252/R (11 July 2003).

WTO, Report on the Working Party on the